

مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان  
سال هفدهم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۴)

برتری سود جامع نسبت به سود خالص برای ارزیابی عملکرد

شرکت : شواهد وجود اثر مقیاس

علی سعیدی ولاشانی\* - محسن دستگیر\*\*

#### چکیده

در این تحقیق از سود جامع و سود خالص استفاده شده تا توانایی نسبی سود جامع برای ارائه خلاصه نتایج عملکرد شرکت مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بررسی شده که کدام یک از تعدیلات سود و زیان جامع توانایی سود را برای انعکاس خلاصه عملکرد شرکت بهبود می بخشد.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

در این تحقیق در پی بررسی این ادعا هستیم که سود اندازه گیری شده بر مبنای سود جامع نسبت به سایر معیارها، اندازه گیری بهتری از عملکرد شرکت ارایه می دهد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت بر مبنای بازده سهام و قیمت سهام، بر سود خالص برتری ندارد. بررسی ها نشان داد که داده های مورد استفاده در این تحقیق تحت تأثیر اثر مقیاس قرار دارد و با استفاده از روش هایی اثر مقیاس تعدیل شده است. در مجموع نتایج این تحقیق شواهدی را فراهم می آورد که نشان می دهد تعدیلات سود و زیان جامع توانایی سود را برای انعکاس عملکرد شرکت بهبود می دهد هر چند ابهاماتی نیز در نتایج بدست آمده مشاهده می شود.

واژه های کلیدی: سود و زیان جامع، سود و زیان خالص، ارزیابی عملکرد، اثر مقیاس

Faculty of Admin. Sciences & Econ. Journal,

University of Isfahan.

Vol.17, No.3 , 2005

## **Superiority of Comprehensive Income to Net Income as a Measure of Firm Performance: Some Evidence for Scale Effect**

**A. Saeedi Velashani,\* Ph.D.**  
**M. Dastgir,\*\* Ph.D.**

### **Abstract**

In this study we investigate the relative ability of comprehensive income and net income to summarize firm performance as reflected in stock returns. We also examine which comprehensive income adjustments improve the ability of income to summarize firm performance. In this study we investigate the claim that income measured on a comprehensive basis is a better measure of firm performance than other summary income measures. The results do not show that comprehensive income is superior to net income for evaluating firm

\* Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch

\*\* Assistant Professor of Accounting, Shahid Chamran University

performance on the basis of stock return and price. In Tehran Stock Exchange except for investment industrial group, we found no evidence that comprehensive income for firm performance evaluation on the basis of cash flows prediction is superior to net income. We found a better situation for the state companies (only in other companies group), i.e., firm performance evaluation on the basis of cash flows prediction using comprehensive income is superior to net income. Collectively, our results provide some evidence that show comprehensive income adjustments improve ability of income for reflecting firm performance, although some inconsistencies are observed.

**Keywords:** Net income, Comprehensive income, Performance evaluation

#### مقدمه

صورت های مالی محصول نهایی فرآیند حسابداری مالی به شمار می رود. صورت سود و زیان به عنوان مبنایی برای تصمیمات سرمایه گذاری و سایر تصمیمات محسوب می شود. اندازه گیری سود دوره و وضعیت مالی یک واحد تجاری همیشه یکی از چالشهای پیش روی تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و دل مشغولی اصلی استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری بوده است.

اهداف حسابداری و گزارشگری مالی بیشتر برخاسته از نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان بیرون سازمانی است. هدف اصلی گزارشگری مالی بیان وضعیت مالی و عملکرد واحد تجاری برای اشخاص بیرون از واحد تجاری جهت کمک به آنها در اتخاذ تصمیمات مالی است. ابزار اصلی انتقال اطلاعات به اشخاص مزبور، صورتهای مالی اساسی و یادداشت های توضیحی این صورت ها و گزارش های مکمل است که محصول نهایی فرآیند حسابداری و گزارشگری مالی محسوب می شود.

کارایی بازار بر تئوری رقابت مبتنی است که در آن قیمت ها بنحو رقابتی تعیین می شود و تصمیمات، اطلاعات اقتصادی موجود را منعکس می کند. یکی از انواع اطلاعات اقتصادی که برای افزایش کارایی بازار مورد استفاده قرار می گیرد، اطلاعات صورت های مالی است. تحلیل گران مالی در گرد آوری و انتشار این گونه اطلاعات اصلی ترین گروه هستند. هنگامی که تعیین مکان ارایه اطلاعات اقتصادی مشکل است یا در بین شرکت ها بنحو یکنواخت ارایه نشده است، تحلیل گران قادر نیستند بنحو بهینه نقش خود را اجرا کنند و کارایی کاهش می یابد ( اسمیت و ریتر، ۱۹۹۶ ). این مشکل قبل از معرفی صورت سود و زیان جامع به برخی از اقلام

سود و زیان جامع مربوط می شد که مستقیماً در بخش حقوق صاحبان سهام ترازنامه انعکاس می یافت. طبق تعریف هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی در بیانیه مفاهیم شماره ۶<sup>۱</sup> سود و زیان جامع عبارت است از "تغییر در خالص دارایی های یک واحد تجاری در نتیجه معاملات و سایر رویدادها به غیر از سرمایه گذاری مالکین یا سود سهام پرداختی به آنها در یک دوره مالی".

صورت سود و زیان جامع ابزاری برای ارزیابی عملکرد شرکت است. هدف از ارایه این صورت مالی ملزم کردن واحدهای تجاری به انعکاس مشخص و بارز برخی عناصر عملکرد مالی است تا به درک استفاده کنندگان صورت های مالی از عملکرد مالی واحد تجاری طی یک دوره کمک کند و مبنایی برای ارزیابی عملکرد مالی و جریانهای نقدی آتی فراهم آورد. همچنین صورت سود و زیان جامع به عنوان یک صورت مالی اساسی باید کل درآمدها و هزینه های شناسایی شده طی دوره را که قابل انتساب به صاحبان سرمایه است، به تفکیک اجزای تشکیل دهنده آنها نشان دهد. هدف از تهیه ی صورت سود و زیان و صورت سود و زیان جامع، ارایه کلیه ی درآمدها و هزینه های شناسایی شده طی یک دوره ی مالی است. تمرکز اصلی صورت سود و زیان دوره بر درآمدها و هزینه های

عملیاتی است. درآمدها و هزینه ها تنها در مواردی در صورت سود و زیان منعکس نمی شود که بنحو مشخص به موجب استانداردهای حسابداری مستقیماً به حساب حقوق صاحبان سرمایه منظور شود. به دلیل این که برای تصمیم گیری اقتصادی استفاده کنندگان صورت های مالی، آگاهی از کلیه جنبه های عملکرد مالی واحد تجاری طی دوره ضرورت دارد، لازم است کلیه درآمدها و هزینه های شناسایی شده طی آن دوره مورد ملاحظه قرار گیرد. بدین لحاظ همان گونه که در مفاهیم نظری گزارشگری مالی مقرر شده، تهیه و ارایه یک صورت مالی اساسی جدید با عنوان "صورت سود و زیان جامع" ضروری است تا میزان افزایش یا کاهش حقوق صاحبان سرمایه از بابت درآمدها و هزینه های مختلف دوره نشان داده شود.

در این تحقیق از سود جامع و سود خالص استفاده شده تا توانایی نسبی سود جامع برای ارایه خلاصه نتایج عملکرد شرکت مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق عملکرد شرکت بر مبنای بازده انعکاس می یابد. (این روش مشابه روش دی چو (۱۹۹۴) است). همچنین بررسی شده که کدام یک از تعدیلات سود و زیان جامع توانایی سود را برای انعکاس خلاصه عملکرد شرکت بهبود می بخشد. موضوع مهمی که در این تحقیق مورد ملاحظه قرار گرفته اثر

مقیاس<sup>۱</sup> است. لو<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) استدلال می کند که  $R^2$  در رگرسیون های سود و بازده آنقدر پایین است که از نظر اقتصادی نمی توان آن را مربوط دانست. تحلیل های براون و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) نشان می دهد که برخی از تفاوت های بین  $R^2$  بسیار پایین در رگرسیون هایی که متغیر وابسته آن بازده می باشد و  $R^2$  بالاتر در رگرسیون هایی که مربوط به سطوح (مبالغ ریالی نه نرخ بازده که به صورت درصد بیان می شود) است به دلیل آثار مقیاس بوجود می آید.

تحقیقات تجربی قبلی راجع به افشای سود جامع و مرتبط بودن آن با ارزش در کشورهای مختلف شواهد متناقض و غیر قطعی ارائه کرده است. با توجه به شواهد و نتایج غیر قطعی پژوهش های انجام شده در کشورهای مختلف ضروری بود تا در باره سود جامع در ایران نیز پژوهش هایی انجام شود. در این تحقیق در پی بررسی این ادعا هستیم که سود اندازه گیری شده بر مبنای سود جامع نسبت به سایر معیارها، اندازه گیری بهتری از عملکرد شرکت ارائه می دهد.

#### پیشینه تحقیق

بیانیه شماره ۱۳۰ استانداردهای حسابداری مالی امریکا و در پی آن بیانیه استانداردهای حسابداری شماره ۶ به دنبال یک بحث بلند

2. Scale Effect

3. Lev, B.

1. Brown Stephen, Kin Lo, Thomas Lys



مدت بین مفهوم سود و زیان جامع و سود خالص در حرفه حسابداری  
ارایه گردید. این بحث از دهه ۱۹۳۰ تا کنون یکی از بحث های مهم  
در تدوین استانداردهای حسابداری بوده است. مجموعه ای از مقالات  
مرتبط با این بحث در کتاب پیزنل و بریف<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) با عنوان Clean  
surplus آمده است. مباحثه های زیادی در باره ی مفاهیم شمول  
کلی سود و عملکرد جاری برای گزارشگری سود و زیان وجود  
داشته، اما تحقیقات تجربی اندکی در این زمینه صورت گرفته است.  
تحقیقات تجربی قبلی راجع به افشای سود جامع و مرتبط بودن آن با  
ارزش در کشورهای مختلف شواهد متناقض و غیر قطعی ارایه کرده  
است.

هرست و هاپکینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) تأثیر نحوه گزارشگری سود و  
زیان جامع را بر تصمیم گیری و قضاوت تحلیل گران در باره  
قیمت سهام بررسی کردند و دریافتند که با افشای اجزای سود و زیان  
جامع توانایی تحلیل گران برای برآورد ارزش سهام شرکت افزایش  
می یابد.

اشمیت<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) سود چند شرکت بزرگ آمریکایی را برای  
سال ۱۹۹۶ میلادی با استفاده از استاندارد گزارشگری سود جامع

2. Peasnell, K. V. and R. P. Brief

3. Hirst, D. Eric, and Patrick E. Hopkins

1. Richard J. Schmidt

دوباره محاسبه کرد. نتایج این محاسبه نشان داد که تفاوت بین سود خالص گزارش شده و سود جامع محاسبه شده قابل ملاحظه است. از بین شرکت های بزرگ، سود جامع ۱۵ شرکت کمتر از سود خالص و سود جامع ۹ شرکت بیشتر از سود خالص آنها بود. وی مشاهده کرد که بیشتر به دلیل تعدیلات منفی نرخ ارز و زیان تحقق نیافته اوراق بهادار معاملاتی سود جامع شرکتها کم تر از سود خالص آنها بود.

دالیوال و همکارانش<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در مطالعه ای توانایی سود جامع را نسبت به سود خالص برای انعکاس عملکرد شرکت ارزیابی کردند. نتایج تحقیق آنان شواهدی مبنی بر اینکه رابطه بین سود جامع با بازده و قیمت بازار سهام قوی تر از رابطه بین سود خالص با بازده و قیمت بازار سهام است، ارائه نکرد. همچنین مشاهده نکردند که سود جامع بهتر از سود خالص جریانهای نقدی آتی و سود را پیش بینی می کند. آنان در نهایت نتیجه گیری کردند که برای بهبود توانایی سود جامع برای انعکاس عملکرد شرکت، هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی باید بر اقلامی تأکید کند که با عملیات شرکت رابطه نزدیکی دارند.

2. Dhaliwal, Dan, K.R. Subramanyam, and Robert Trezevant

مینز و مک دانیل<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) قضاوت سرمایه گذاران غیر حرفه ای بر نحوه ارایه سود و زیان جامع به اشکال مختلف یعنی ارایه سود و زیان جامع و ارایه حقوق صاحبان سهام را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که شکل ارایه اطلاعات ارتباطی با دریافت و درک اطلاعات سود و زیان جامع توسط کاربران آن ندارد.

کاهان و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) ارزش اطلاعاتی افشای اقلام سود و زیان جامع را در نیوزیلند مورد مطالعه قرار دادند. آنان با اشاره به چارچوب شمول کلی سود که با ارزشگذاری سهام مربوط است و کار اولسن<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) که نشان داد ارزش شرکت تابعی است از ارزش دفتری و سودهای غیرعادی، درباره سودمندی افشای سود جامع در صورت حساب تغییرات حقوق صاحبان سهام شواهد مبتنی بر بازار فراهم کردند. آنان دریافتند که ارزش اطلاعاتی تک تک سایر اقلام سود و زیان جامع بیشتر از رقم سود جامع نیست. همچنین، یافته های تحقیق نشان داد که بعد از الزامی شدن صورت حساب تغییرات حقوق صاحبان سهام شواهدی مبنی بر افزایش ارزش اطلاعاتی سایر اقلام سود و زیان جامع نسبت به سود خالص وجود ندارد. در

3. Maines, L. and L. McDaniel

4. Cahan, Steve F., Stephen M. Courtenay, Paul L. Gron Wollere and David R. Upton

1. Ohlson, J. A.

کل نتایج نشان داد که صورت حساب تغییرات در حقوق صاحبان سهام برای سرمایه گذاران ارزش اضافی ایجاد نمی کند.

بامونسیری و ویگینز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) افشای سود جامع و آثار بالقوه آن را بر اندازه گیری عملکرد مالی ۱۰۰ شرکت استاندارد و پور<sup>۲</sup> در طی سالهای مالی ۱۹۹۷-۱۹۹۹ میلادی ارزیابی کردند. از ۱۰۰ شرکت مورد بررسی ۷۶ شرکت سایر اقلام سود جامع را در بخش حقوق صاحبان سهام ترانزنامه گزارش کردند. ۱۵ شرکت صورت سود جامع جداگانه، ۴ شرکت سود جامع را در صورت حساب سود و زیان گزارش کردند و ۵ شرکت باقی مانده سود خالص و سود جامع را یکسانی داشتند. این ارزیابی نشان داد که بیشتر شرکتها سود جامع را در بخش حقوق صاحبان سهام گزارش می کنند. در هر یک از سالهای مورد بررسی مشاهده شد تعداد شرکتهایی که سایر اقلام سود جامع بر آنها اثر منفی داشته بیشتر از شرکتهایی بوده که اثر مثبت داشته است. اگر تحلیل گران مالی سایر اقلام سود جامع را در ارزیابی های خود از عملکرد شرکت ترکیب کنند ممکن است به نتایجی متفاوت از ارزیابیهای مبتنی بر سود خالص دست یابند.

2. Bhamornsiri, Sak, and Casper, Wiggins

3. Standard & Poors

بیدل و چوی<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی مربوط بودن سود جامع را برای تصمیم گیری مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق آنان در زمینه تعاریف گوناگون سود نشان داد که برای محتوای اطلاعاتی، تعریف سود جامع طبق بیانیه شماره ۱۳۰ هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی بر سود خالص و سود جامع برتری دارد. بنابراین، برحسب محتوای اطلاعاتی، به نظر می رسد که انتخاب هیأت تدوین استانداردهای حسابداری خردمندانه بوده است. در زمینه قابلیت پیش بینی هیچ یک از تعاریف سود به روشنی برتری ندارد. مطابق با دیدگاه مدیران و تحقیق قبلی در زمینه قراردادها ( هولتاسن و واتس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱)، در زمینه پاداش مدیران سود خالص در تصمیم گیری بیشتر از سود جامع مربوط است. نتایج تحقیق آنان در رابطه با اجزای سود نشان داد که سود جامع کامل برای تصمیم گیری در هر سه زمینه کاربردی محتوای اطلاعاتی، توانایی پیش بینی و قراردادهای پاداش مدیران مفیدتر است. همچنین، اجزای سود بنحو کلی برای تصمیم گیری مفیدتر از تعاریف گوناگون سود در کاربردهای مختلف است.

لویس<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در تحقیق خود تعدیلات تسعیر ارز را مورد تجزیه و تحلیل اقتصادی قرار داد. همچنین رابطه بین تغییر ارزش

4. Biddle, Gary C., and Jong-Hag Choi

1. Holthausen R. and R. Watts

2. Louis, H.

شرکت و تعدیلات تسعیر ارز را برای نمونه ای از شرکت های تولیدی بررسی کرد. در این تحقیق یکی از اجزای اصلی سود و زیان جامع یعنی تعدیلات تسعیر ارز مورد توجه قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که تعدیلات تسعیر ارز معمولاً برای شرکت های تولیدی یک منبع ارزش افزوده نیست چون قواید حسابداری حاکم بر تسعیر ارز معمولاً نتایجی بر خلاف آثار اقتصادی تغییرات نرخ ارز ایجاد می کنند. لویس مطابق با نظریه های اقتصادی موجود دریافت که تعدیلات مثبت تسعیر ارز با زیان کاهش ارزش (به جای افزایش ارزش) رابطه دارد.

کاناگارتنام و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی سودمندی گزارشگری سود و زیان جامع را در کانادا مورد بررسی قرار دادند. هدف آنان از این بررسی ارزشگذاری بازار اجزای "سایر اقلام سود و زیان جامع" بود تا شواهدی مبنی بر مربوط بودن پیش نویس استاندارد سود و زیان جامع را فراهم کنند. آنان رابطه بین ارزش بازار سرمایه یا بازده را با اجزای "سایر اقلام سود و زیان جامع" بررسی کردند تا محتوی اطلاعاتی افشاهای جدید را ارزیابی کنند. آنان همچنین توان پیش بینی سود جامع را نسبت به سود خالص مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی آنان شواهدی را ارائه کرد که هر یک

3. Kanagaretnam K., R. Mathieu, M. Shehata

از چهار جزو "سایر اقلام سود و زیان جامع" برای توضیح ارزش بازار یا بازده سهام هر دو مربوط است. آنان دریافتند که سود خالص برای پیش بینی عملکرد آتی شرکت بهتر از سود جامع است.

عرب مازار یزدی و رادمهر (۱۳۸۲) با انجام تحقیقی نظر کاربران و جامعه دانشگاهی حسابداری را در باره ی تک تک اجزای صورت سود و زیان جامع و همچنین درباره ضرورت طرح این اجزا در یک صورت جداگانه مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که از دید جامعه مورد بررسی، افشای تک تک اجزای صورت سود و زیان جامع در گزارشگری برون سازمانی ضروری است اما رایه این اجزا در یک صورت جداگانه مانند صورت سود و زیان جامع ضروری نیست.

مجتهد زاده و مؤمنی (۱۳۸۲) در تحقیقی تأثیر رایه صورت سود و زیان جامع بر تصمیم گیری های استفاده کنندگان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که استفاده کنندگان اطلاعات مالی در تصمیم گیری های خود از مؤلفه های کارایی مدیریت، بازده سرمایه گذاری و پیش بینی جریان نقدی آتی استفاده می کنند. رایه صورت سود و زیان جامع بستری فراهم می کند که این مؤلفه ها مورد ارزیابی قرار گیرد، در نتیجه عامل مؤثری در تصمیم گیری استفاده کنندگان به شمار می رود.

### فرضیه های تحقیق

به منظور بررسی برتری سود جامع نسبت به سود خالص فرضیه هایی به شرح زیر آزمون گردیده است:

**فرضیه اول:** رابطه بین سود جامع با بازده قوی تر از رابطه بین سود خالص با بازده است.

**فرضیه دوم:** رابطه بین سود جامع با ارزش بازار سهام شرکت قوی تر از رابطه بین سود خالص با ارزش بازار سهام شرکت است.

**فرضیه سوم:** رابطه بین قیمت سهام با سود جامع و ارزش دفتری سهام شرکت قوی تر از رابطه بین قیمت سهام با سود خالص و ارزش دفتری سهام است.

### روش شناختی تحقیق

به منظور تخمین مدل های این تحقیق برای آزمون فرضیه ها، نمونه ای از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۸۲-۱۳۸۰ مورد استفاده قرار گرفته است. به این شکل که ابتدا مدل ها را با استفاده از داده های ترکیبی برای ۳ سال و در مجموع ۶۴۷ سال - شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۸۲-۱۳۸۰ برآورد شده است. سپس به همین صورت مدل ها را برای نمونه های انتخابی از صنایع مختلف بنحو جداگانه برآورد و بعد از آن هر یک از مدل های تحقیق با استفاده از



داده های سالانه (مقطعی) برای هریک از سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ برآورد شده اند.

### چگونگی آزمون فرضیه ها

آزمونهای رابطه اندازه گیری های مختلف سود با بازده (آزمون فرضیه اول)

برای بررسی این ادعا که سود اندازه گیری شده بر مبنای سود جامع عملکرد شرکت را بهتر از سایر اندازه گیری های سود، اندازه گیری می کند مدل هایی برآورد شده است که در آن بازده متغیر وابسته، و سود جامع و سود خالص متغیرهای مستقل است. همان طور که هریس و مولر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) بیان کرده اند بنحو بالقوه مدل بازده نسبت به مدل ارزش بازار کمتر تحت تأثیر مسایل مقیاس و ناهمسانی واریانس قرار دارد. کتاری و زیمرمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) معتقد هستند که گنجاندن مدل های ارزش بازار و بازده بنحو بالقوه شواهد متقاعد کننده تری فراهم می آورد. سابرامانیام<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) اشاره کرده است، استفاده از سطوح سود به عنوان جایگزینی برای سودهای غیر منتظره در رگرسیون بازده و سود، دارای پشتوانه نظری و تجربی است. آن دسته از آزمون هایی که از تفاوت اول سود به عنوان جایگزینی برای

1. Harris M.S. and K.A. Muller  
2. Kothari, S.P. and J.L. Zimmerman  
3. Subramanyam K.R.

سودهای غیر منتظره استفاده می نمایند نتایج مشابهی بدست می دهند (سابرامانیام و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

$$R_{it} = \alpha_0 + \beta_1 * NI_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$R_{it} = \alpha_0 + \beta_1 * COMP_{B,it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل های فوق R بازده سالانه شرکت ها، NI سود خالص و COMP<sub>B</sub> تغییر در سود انباشته بعلاوه سود سهام است. برای تخمین مدل های بالا از داده هایی استفاده شده که با استفاده از قیمت بازار سهام در ابتدای دوره، اثر مقیاس در آنها تعدیل شده است. لو<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) معتقد است که R<sup>2</sup> در رگرسیون های سود و بازده آنقدر پایین است که از نظر اقتصادی نمی توان آن را مربوط دانست. تحلیل های براون و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) نشان می دهد که برخی از تفاوت های بین R<sup>2</sup> بسیار پایین در رگرسیون هایی که متغیر وابسته آن بازده می باشد و R<sup>2</sup> بالاتر در رگرسیون هایی که مربوط به سطوح (مبالغ ریالی نه نرخ بازده که به صورت درصد بیان می شود) است به دلیل آثار مقیاس بوجود می آید. بنابراین در این تحقیق مدل ها ابتدا با استفاده از اطلاعات تعدیل نشده برآورد گردیده است و پس از آن که مشاهده شد تحت تأثیر اثر مقیاس است دوباره با استفاده از داده های تعدیل شده برای آثار مقیاس برآورد گردیده است.

4. Subramanyam K.R., Dan Dhaliwal, Robert Trezevant

5. Lev, B.

1. Brown Stephen, Kin Lo, Thomas Lys

## آزمون رابطه اندازه گیری های مختلف سود با ارزش بازار سهام (آزمون فرضیه دوم)

کناری و زیمرمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) بیان می کنند بدلیل مسایل اقتصادسنجی و تئوریکی محققین در تحلیل های تجربی خود باید از مدل های اضافی نظیر مدل قیمت استفاده کنند، لذا در این تحقیق مدل های دیگری برآورد شده است که متغیر وابسته آن ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و متغیرهای مستقل آن سود خالص و  $COMP_B$  است. در اینجا عملکرد بر مبنای قیمت سهام انعکاس می یابد.

$$PRICE_{it} = \alpha_0 + \beta_1 * NI_{it} + \epsilon_{it}$$

$$PRICE_{it} = \alpha_0 + \beta_1 * COMP_{B,it} + \epsilon_{it}$$

براون و همکاران (۱۹۹۹) بیان می کنند که در زمینه تحقیقات حسابداری،  $R^2$  بدست آمده از رگرسیون های قیمت بازار به عنوان متغیر وابسته و سود و ارزش دفتری به عنوان متغیرهای مستقل (چه برای هر سهم یا در سطح کل شرکت) قابل اتکا نیست، چون آثار مقیاس در داده های حسابداری زیاد است و در طی زمان تغییر می کند. بنابراین برای تخمین مدل های فوق از داده هایی استفاده شده

2. Kothari, S.P. and J.L. Zimmerman

است که اثر مقیاس در آنها با استفاده از تعداد سهام در پایان دوره تعدیل شده است.

آزمون رابطه اندازه گیری های مختلف سود با ارزش بازار و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (آزمون فرضیه سوم)

بر اساس شواهد اخیر ( برای مثال، برگر و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، و برگستالر و دیچو<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)) که مدل های  $P/E$  به دلیل نادیده گرفته شدن ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به درستی تعیین نمی شود، مدل های دیگری در این تحقیق برآورد می شود که ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر مستقل در آن وجود دارد.

$$PRICE_{it} = \alpha_0 + \beta_1 * NI_{it} + \beta_2 * BV_{it} + \epsilon_{it}$$
$$PRICE_{it} = \alpha_0 + \beta_1 * COMP_{B,it} + \beta_2 * BV_{it} + \epsilon_{it}$$

برای تخمین مدل های فوق نیز از داده هایی استفاده شده است که اثر مقیاس در آنها با استفاده از تعداد سهام در پایان دوره تعدیل شده است. همچنین مدل ها با استفاده از داده های تعدیل نشده برآورد گردیده است.

استفاده از آزمون نسبت احتمال

1. Berger, P.G., E. Ofek, and I. Swary  
2. Burgstahler, D.C. and I.D. Dichev

در این پژوهش این سؤال مطرح است که کدام یک از اندازه گیری های سود (سود و زیان جامع یا سود خالص) عملکرد شرکت را در قالب بازده سهام و قیمت بازار سهام بهتر منعکس می سازد. بنابراین سود و زیان جامع و سود و زیان خالص را برای هر یک از متغیرهای وابسته فوق در قالب دو مدل رقیب بیان کرده ایم. برای انتخاب از بین مدل های رقیب از روش وونگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) استفاده شده است. در این روش یک آزمون نسبت احتمال برای انتخاب مدل های رقیب ارائه می شود. در این روش برای هر مشاهده  $I$  می توان نسبت احتمال را به شرح زیر بدست آورد:

$$LR_i = \log [L(R_{COMP_i})] - \log [L(R_{NI_i})]$$

$$= \frac{1}{2} \log \left( \frac{2\pi}{n} RSS_{NI} \right) - \frac{1}{2} \log \left( \frac{2\pi}{n} RSS_{COMP} \right) + \frac{n}{2RSS_{NI}} (e_{NI_i})^2 - \frac{n}{2RSS_{COMP}} (e_{COMP_i})^2$$

با ساده کردن رابطه فوق می توانیم  $m_i$  را برای هر مشاهده بدست آوریم:

$$m_i = \frac{1}{2} \log \left[ \frac{RSS_{NI}}{RSS_{COMP}} \right] + \frac{n}{2} \left[ \frac{(e_{NI_i})^2}{RSS_{NI}} - \frac{(e_{COMP_i})^2}{RSS_{COMP}} \right]$$

حاصل جمع فوق به آماره نسبت احتمال منتج می شود. قدم بعدی برآورد انحراف معیار LR است. وونگ (به صفحه ۳۱۸ مراجعه شود) اشاره می کند که به جای برآورد انحراف معیار LR بنحو مستقیم می توانیم آماره Z را محاسبه کنیم. در این حالت ساده می

توانیم آماره Z را با برآزش  $m_i$  بر یک بدست آوریم. ضریب این رگرسیون  $\frac{1}{2} \log[RSS_{NI}/RSS_{COMP}]$  است و میانگین تفاوت بین توان توضیح دهندگی بین سود و زیان جامع و سود خالص را بیان می کند. اشتباه استاندارد رگرسیون نشان می دهد که اختلاف معنی دار است. آماره Z را می توان به وسیله ضرب آماره t این رگرسیون در  $((n-1)/n)^{1/2}$  بدست آورد. اگر آماره Z مثبت و معنی دار باشد. این آماره نشان می دهد که سود و زیان جامع مدل برگزیده است. و اگر آماره Z منفی و معنی دار باشد نتیجه مخالف گرفته می شود.

#### مکان و دوره زمانی تحقیق

حوزه مکانی انجام این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دلیل انتخاب شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار قابلیت دسترسی به اطلاعات مالی این شرکت ها است. همچنین به خاطر وجود مقررات و استانداردهای سازمان بورس اوراق بهادار تهران، اطلاعات گزارش های مالی این شرکت ها همگن تر می باشد. دوره زمانی انجام این تحقیق به سال های ۸۲-۱۳۸۰ محدود می شود. به این دلیل دوره زمانی به سال های ۸۲-۱۳۸۰ محدود می شود که طبق بیانیه شماره ۶ استانداردهای حسابداری مالی ایران تهیه و ارایه صورت سود و زیان جامع از سال ۱۳۸۰ لازم الاجرا گردیده است.

### انتخاب شرکت های نمونه

برای انجام این پژوهش یک نمونه از جامعه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است. نمونه شرکت های انتخاب شده از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۱۳۸۰-۱۳۸۲ به شرح جدول شماره ۱ می باشد.

### منبع اطلاعات

برای بدست آوردن متغیرهای مورد نیاز مربوط به صورت های مالی شرکت های نمونه، به صورت های مالی فراهم آمده در آرشیوهای الکترونیکی سازمان بورس اوراق بهادار تهران ( لوح های فشرده موسوم به آرشیو) مراجعه شده است. در مواردی که اطلاعات این آرشیوها ناقص بوده اند به آرشیو های دستی موجود در کتابخانه این سازمان مراجعه شده است. بخشی از اطلاعات مورد نیاز نیز از نرم افزارهای موسوم به تدبیرپرداز و صحرای بدست آمده است. افزون بر اطلاعات بدست آمده از صورت های مالی این شرکت ها، اطلاعات دیگری لازم بود تا با استفاده از آن بتوان بازده سهام آنها را محاسبه کرد. اطلاعات مربوط به محاسبه بازده سهام شرکت ها از اطلاعات معاملات و اطلاعات مجامع شرکت ها استخراج شده است.

برای بدست آوردن این اطلاعات از آرشیوهای الکترونیکی و نرم افزار تدبیر پرداز و صحرا استفاده شده است.

### نتایج فرضیه های تحقیق

در این بخش از گزارش، تحلیل نتایج حاصل از آزمون سه فرضیه این تحقیق ارایه شده است. در ادامه، تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها در هر یک از سطوح کل نمونه انتخابی، صنایع و سال های مورد بررسی بیان شده است.

### نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج تخمین مدل های مربوط به فرضیه اول در سطح کل نمونه (به صورت تجمعی)، در سطر نخست جدول ۲ نشان داده شده است. همان گونه که مشاهده می شود مقدار احتمال ( $p$ -value) ضریب متغیر سود خالص (NI) در مدل اول، همچنین مقدار احتمال ( $p$ -value) ضریب متغیر  $COMP_B$  در مدل دوم معنی دار است. آماره  $F$  هر دو مدل نیز بیان کننده این موضوع است که این مدل ها در کل معنی دار هستند. در مدل اول ضریب همبستگی ( $R$ )، ۰/۵۹۶ و در مدل دوم ۰/۵۹۷ است. ضریب همبستگی ( $R$ ) مدل دوم با ضریب همبستگی ( $R$ ) مدل اول تفاوت معنی داری ندارد. همانگونه که مشاهده می شود آماره  $Z$  وونگ نیز



معنی دار نیست و تأیید کننده این موضوع است. در کل نتایج حاصل از تخمین دو مدل نشان نمی دهد که گزارشگری سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت ها (بر مبنای بازده سهام) بر سود خالص برتری داشته باشد.

برای بررسی این موضوع که آیا در سطح صنایع خاصی گزارشگری سود جامع نسبت به سود خالص برای ارزیابی عملکرد شرکت برتری دارد؟ مدل های مربوط به آزمون فرضیه اول در سطح صنایع گوناگون نمونه آماری این تحقیق برآورد شده است. برای این منظور، کل نمونه انتخابی به دوازده صنعت مختلف تقسیم گردیده است. لازم به ذکر است که در سطح دو صنعت نساجی و معادن فلزی و غیر فلزی به دلیل اندک بودن تعداد شرکت ها در جامعه آماری، امکان تخمین مدل ها بنحو جداگانه برای این صنایع امکان پذیر نگردید. نتایج حاصل از تخمین مدل ها در سطح صنایع نشان می دهد که در صنایع چوب و کاغذ، لاستیک و پلاستیک، کانی و سیمان، لوازم خانگی و تجهیزات، برق و تلویزیون، هیچ کدام از مدل ها در کل معنی دار نیست. آماره  $F$  و مقدار احتمال آن در مدل های برآورد شده برای سایر صنایع نشان می دهد که این مدل ها در کل معنی دار هستند. نتایج در سطح این صنایع نشان می دهد که مقدار احتمال ضرایب متغیرهای سود خالص و سود جامع در کلیه مدل ها معنی دار

است. در صنایع غذایی ضریب همبستگی ( $R$ ) مدل اول که در آن متغیر مستقل سود خالص است،  $0/521$  و  $R$  مدل دوم که در آن متغیر مستقل سود جامع است،  $0/579$  می باشد. مقدار احتمال ضریب  $NI$  در مدل اول و مقدار احتمال ضریب  $COMP_B$  در مدل دوم هر دو از نظر آماری معنی دار هستند. همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می شود، در این صنعت  $R$  مدل دوم بالاتر از مدل اول است. ولی آماره وونگ محاسبه شده در این ارتباط معنی دار نیست. این وضعیت در صنعت دارویی و شیمیایی، کانی و سیمان، و سرمایه گذاری نیز قابل مشاهده است. البته در صنعت کانی و سیمان آماره  $Z$  وونگ نیز معنی دار است. بنحو کلی نتایج برآورد مدل ها در سطح صنایع گوناگون نشان می دهد که فقط در صنعت کانی و سیمان سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت ( بر مبنای بازده سهام ) بر سود خالص برتری دارد.

مدل های اول و دوم در سطح سه سال بنحو جداگانه برآورد شده اند. نتایج آن در سه سطر انتهایی جدول ۲ ارائه شده است. آماره  $F$  مدل های برآورد شده نشان دهنده معنی دار بودن کلیه مدل ها است. این در حالی است که توان توضیح دهندگی متغیر های مستقل در سال ۱۳۸۰ در سطح بالایی قرار دارد و در سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ روند رو به کاهش مشاهده می شود. در باره ی این سؤال که

آیا در کدام سال سود جامع برای ارزیابی عملکرد بر سود خالص برتری داشته است؟ نتایج تخمین مدل ها در سال ۱۳۸۰ نشان می دهد که R مدل دوم (۰/۸۳۲) در سطحی بالاتر از R مدل اول (۰/۷۲۷) قرار دارد و مقدار احتمال ضرایب متغیر مستقل هر دو مدل معنی دار است. ولی آماره Z و ونگ محاسبه شده معنی دار نیست و تأیید کننده برتری سود جامع بر سود خالص نیست. برای سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ نیز نتایج تخمین مدل ها نشان نمی دهد که سود جامع بر سود خالص برتری داشته باشد.

### نتایج آزمون فرضیه دوم

در آزمون این فرضیه درصدد بررسی این موضوع هستیم که آیا سود جامع عملکرد شرکت را که بر مبنای قیمت سهام انعکاس می یابد، بهتر از سود خالص منعکس می سازد؟ نتایج تخمین این مدل ها در سطر اول جدول ۳ ارائه شده است. به همان نحو که در جدول مشاهده می شود، آماره F هر دو مدل نشان می دهد که مدل های برآورد شده در کل معنی دار هستند. ضریب همبستگی R مدل سوم و چهارم به ترتیب ۰/۶۴۸ و ۰/۶۵۱ است و مقدار احتمال ضرایب متغیر مستقل هر دو مدل معنی دار است. اما همان گونه که در جدول مشاهده می شود آماره Z و ونگ معنی دار نیست. نتایج تخمین مدل ها در سطح کل شرکتها نشان نمی دهد که استفاده از سود جامع برای

ارزیابی عملکرد شرکت (بر مبنای قیمت سهام) برتر از سود خالص باشد.

برای بررسی برتری استفاده از سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت بر سود خالص، در سطح صنایع گوناگون، فرضیه دوم در سطح ده صنعت آزمون گردیده است. سایر شرکتها نیز در برگیرنده ۱۲ شرکت فعال در صنعت نساجی و ۱۴ شرکت فعال در معادن فلزی و غیر فلزی بود که به دلیل اندک بودن این شرکت ها و موجود نبودن برخی از داده های لازم در مورد این شرکت ها برای آزمون فرضیه، امکان تخمین مدل ها بنحو جداگانه برای این صنایع امکان پذیر نگردید. نتایج تخمین مدل های مربوط به آزمون فرضیه دوم در سطح این ده صنعت به ترتیب در سطرهای دوم تا یازدهم جدول ۳ نشان داده شده است. همانطور که آماره  $F$  و مقدار احتمال مربوطه برای مدل های برآورد شده نشان می دهد، همه مدل های برآورده شده در کل معنی دار هستند. همانطور که نتایج تخمین مدل ها در سطح صنایع نشان می دهد در صنعت لاستیک و پلاستیک ضریب همبستگی ( $R$ ) مدل چهارم که در آن متغیر مستقل سود جامع است بالاتر از  $R$  مدل سوم می باشد که متغیر مستقل آن سود خالص است. همچنین در رابطه با مقدار احتمال ضرایب متغیر مستقل در این صنعت، مشاهده می شود که مقدار احتمال ضرایب متغیر مستقل

هر دو مدل معنی دار است. در کل نتایج نشان می دهد که تنها در سطح صنعت لاستیک و پلاستیک برای ارزیابی عملکرد شرکت بر مبنای قیمت سهام، سود جامع بر سود خالص برتری دارد. آماره Z وونگ در جدول ۳ نیز این موضوع را تأیید می کند.

نتایج مدل های برآورده شده در سطح سالانه نشان می دهد که مدل ها و مقدار احتمال ضرایب مستقل آنها در هر سه سال معنی دار است. ولی در این خصوص که آیا سود جامع عملکرد را بهتر از سود خالص نشان می دهد؟ در هیچ یک از سال ها قابل مشاهده نیست. نتایج مدل ها برای سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۲ نشان نمی دهد که سود جامع عملکرد شرکت را بهتر از سود خالص منعکس می سازد. آماره Z وونگ تأیید نمی کند که در هیچ یک از سال ها سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت بر مبنای قیمت بازار بر سود خالص برتری دارد.

### نتایج آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم بر این اساس شکل گرفته است که بر اساس شواهد اخیر (برای مثال، برگر و همکاران (۱۹۹۶) و برگستالرودیچو (۱۹۹۷)) مدل های  $P/E$  به دلیل نادیده گرفته شدن ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به درستی تعیین نمی شود. بنابراین فرضیه ای به شرح زیر تدوین گردید: "رابطه خطی بین قیمت سهام با سود جامع و

ارزش دفتری سهام شرکت قوی تر از رابطه خطی بین قیمت سهام با سود خالص و ارزش دفتری سهام است. " برای تخمین مدل های این فرضیه از داده هایی استفاده شده است که اثر مقیاس در آنها با استفاده از تعداد سهام در پایان دوره تعدیل شده است.

در این بخش تحلیل نتایج بدست آمده از تخمین مدل های مربوط به آزمون فرضیه سوم در سطح کل شرکت ها یعنی بنحو تجمعی برای کل صنایع و سال های ۸۲-۱۳۸۰ ارائه می شود. در آزمون این فرضیه به دنبال وارد کردن یک متغیر دیگر ( ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام )، درصدد بررسی این موضوع بوده ایم که آیا سود جامع و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بهتر عملکرد شرکت را بر مبنای قیمت سهام منعکس می کند، یا سود خالص و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام؟ نتایج تخمین مدل پنجم و ششم در سطر اول جدول ۴ نشان می دهد که مقدار احتمال ضرایب متغیرهای مستقل هر دو مدل به غیر از مقدار احتمال ضریب متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (BV) مدل پنجم معنی دار است. آماره  $F$  هر دو مدل نشان می دهد که مدل ها بنحو کلی معنی دار است.  $R^2$  مدل پنجم و ششم به ترتیب ۰/۴۲۴ و ۰/۴۲۹ می باشد. آماره  $Z$  وونگ نیز برای این دو مدل معنی دار نیست. نتایج آزمون فرضیه سوم در سطح کل صنایع نشان نمی دهد که سود جامع و ارزش دفتری حقوق

صاحبان سهام عملکرد شرکت را بر مبنای قیمت سهم بهتر از سود خالص و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام منعکس سازد.

همچنین نتایج تخمین مدل ها در سطح کل نمونه در جدول ۴ نشان می دهد که وارد کردن متغیر BV ( ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ) در مدل ها برای توضیح عملکرد شرکت بر مبنای قیمت سهام، اثر توضیح دهندگی بالایی ندارد. البته  $R^2$  برای مدل ششم ۰/۴۲۹ می باشد که در مقایسه با مدل چهارم (سطر اول جدول ۳) که  $R^2$  آن ۰/۴۲۴ است، بسیار اندک افزایش یافته است. این وضعیت در مقایسه مدل پنجم با مدل سوم نیز مشاهده می شود. در کل نتایج نشان می دهد که وارد کردن متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (BV) توان توضیح دهندگی مدل ها را برای تغییرات قیمت سهام افزایش نمی دهد.

به منظور بررسی مدل های مربوط به آزمون فرضیه سوم، جامعه آماری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به ۱۲ صنعت مختلف تقسیم کرده ایم. همان گونه که نتایج خلاصه شده در جدول ۴ نشان می دهد، مدل های مربوط به کلیه صنایع معنی دار می باشد به غیر از مدل ششم در صنعت لوازم خانگی و تجهیزات و همچنین صنعت خودرو که این نتیجه با مدل چهارم در جدول ۳ (که در آن متغیر BV وارد نشده است) همخوانی دارد. در خصوص

برتری سود جامع نسبت به سود خالص، نتایج تخمین مدل ها در صنایع غذایی نشان می دهد که مقدار احتمال ضریب متغیر سود جامع در مدل ششم و مقدار احتمال ضریب متغیر سود خالص در مدل پنجم هر دو معنی دار است. ولی آماره  $Z$  و وونگ محاسبه شده معنی دار نیست. نتایج برای این صنعت نشان نمی دهد که سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت بر مبنای قیمت بازار بر سود خالص برتری دارد. همچنین نتایج تخمین مدل ها در سایر صنایع نشان نمی دهد که سود جامع برای ارزیابی عملکرد بر سود خالص برتری داشته باشد.  $R^2$  مدل ششم (۰/۴۶۹) بالاتر از  $R^2$  مدل پنجم (۰/۴۳۸) است. مقایسه  $R^2$  مدل های پنجم و ششم با مدل های سوم و چهارم (در جدول ۳)، یعنی مدلهایی که متغیر  $BV$  در آن وارد نشده است، نشان می دهد که اضافه کردن متغیر اضافی ( $BV$ ) در مدل ها باعث افزایش  $R^2$  آنها نمی شود و توان توضیح دهندگی مدل ها افزایش نمی یابد. چنین حالتی را برای صنعت کانی و سیمان نیز می توان مشاهده کرد با این تفاوت که در مدل ششم مقدار احتمال ضریب متغیر  $BV$  معنی دار است و نشان می دهد که وارد کردن متغیر  $BV$  در این مدل توان توضیح دهندگی آن را افزایش داده است. همان گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود  $R^2$  مدل چهارم در صنعت کانی و سیمان ۰/۵۰۹ است در حالی که  $R^2$  مدل ششم به ۰/۵۲۶ افزایش یافته است.



در رابطه با توان توضیح دهندگی متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (BV) در مدل های آزمون فرضیه سوم، در کل نتایج نشان می دهد که در صنعت فلزات اساسی و محصولات فلزی، سرمایه گذاری، مدل پنجم در صنعت خودرو و مدل ششم در صنعت کانی و سیمان مقدار احتمال ضریب متغیر BV معنی دار است و باعث افزایش توان توضیح دهندگی مدل ها شده است. این وضعیت در سایر صنایع مشاهده نمی شود.

نتایج آزمون فرضیه سوم در سطح سال های ۱۳۸۰-۸۲ در جدول ۴ خلاصه شده است. به همان نحو که نتایج نشان می دهد کلیه مدل ها و ضرایب آنها به غیر از ضریب متغیر BV مدل پنجم برای سال ۱۳۸۲ و مدل ششم برای سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ معنی دار است. مقایسه  $R^2$  مدل ششم (۰/۵۴۳) برای سال ۱۳۸۰ با  $R^2$  مدل پنجم (۰/۴۸۷) برای همان سال نشان می دهد که  $R^2$  مدل ششم که در آن متغیرهای مستقل، سود جامع و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است، بالاتر است ولی آماره Z و ونگ محاسبه شده معنی دار نیست. برای سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲،  $R^2$  مدل پنجم بالاتر از  $R^2$  مدل ششم است و آماره Z و ونگ مربوط به آنها نیز معنی دار نیست.

### نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان نمی دهد که سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت بر مبنای بازده سهام، بر سود خالص برتری دارد. نتایج بررسی ها در سطح کل نمونه انتخابی و برخی از صنایع مؤید این موضوع است. همچنین نتایج در رابطه با برتری سود جامع برای ارزیابی عملکرد شرکت بر مبنای قیمت سهام در سطح کل نمونه انتخابی نشان نمی دهد که سود جامع بر سود خالص برتری داشته باشد. این نتایج مشابه با نتایج تحقیق دالیوال و همکاران (۱۹۹۹) و برخلاف نتایج بدست آمده بوسیله کاناگارتنام و همکاران (۲۰۰۴) است.

در رابطه با توان توضیح دهندگی متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در مدل های آزمون فرضیه سوم، در کل نتایج نشان می دهد که در صنعت فلزات اساسی و محصولات فلزی، سرمایه گذاری، مدل پنجم در صنعت خودرو و مدل ششم در صنعت کانی و سیمان مقدار احتمال ضریب متغیر BV معنی دار است و باعث افزایش توان توضیح دهندگی مدل ها شده است. این وضعیت در سطح سایر صنایع مشاهده نمی شود و در کل می توان نتیجه گیری کرد که افزودن این متغیر توان توضیح دهندگی مدل ها را افزایش نمی دهد. این نتایج مطابق با نتایج تحقیق دالیوال و همکاران (۱۹۹۹) است.

در مجموع نتایج این تحقیق شواهدی را فراهم می آورد که نشان می دهد تعدیلات سود و زیان جامع توانایی سود را برای انعکاس عملکرد شرکت بهبود می دهد هر چند ابهاماتی نیز در نتایج بدست آمده مشاهده می شود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در برخی از صنایع گزارشگری سود و زیان جامع بر سود و زیان خالص برتری دارد اما این برتری در همه صنایع قابل مشاهده نیست. به هر حال، با در نظر گرفتن این نتایج می توان بیان کرد که ارایه ی تعدیلات سود و زیان جامع در مورد شرکت های ایرانی می تواند مفید باشد.

#### پیشنهادها برای تحقیقات آینده

امید است تحقیقات در این زمینه با روش شناختی ها و داده های دوره های زمانی مختلف ادامه یابد تا روشن شود که آیا سود جامع و اجزای آن برای ارزیابی عملکرد شرکت بر سود خالص برتری دارد؟ بنابراین برای تحقیقات آینده پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می شود:

۱- هر چند طبق استاندارد تصمیم گرفته شده است که برخی از اقلام در صورت سود و زیان جامع گزارش شود اما روشن نیست که گزارش این اقلام در این صورت مالی یا جای دیگری در صورت های مالی از اهمیت برخوردار است؟ بنابراین پیشنهاد می شود در

آینده پس از گذشت چند دوره مالی از اجرای استاندارد ملی حسابداری شماره ۶ بوسیله شرکتها و با توجه به پیشنهاد تغییر استاندارد، تحقیق دیگری انجام شود.

۲- پیشنهاد می شود در تحقیقی جداگانه تعدیلات تسعیر ارز به عنوان یکی از اجزای صورت سود و زیان جامع، برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. دلیل پیشنهاد این است که در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعدیلات تسعیر ارز به عنوان سود یا زیان دوره انعکاس می یابد و تغییر در انباشته تعدیلات آن در صورت سود و زیان جامع انعکاس نمی یابد. به این خاطر در تحقیق حاضر امکان بررسی آن میسر نگردید. در این خصوص پیشنهاد می شود از مدل هایی استفاده شود که در آن متغیر وابسته بازده و قیمت بازار شرکت، و متغیر های مستقل سود خالص و تعدیلات تسعیر ارز باشد. سپس آثار نوسانات نرخ ارز بر ارزش شرکت از دیدگاه نظریه های اقتصادی بررسی شود.

۳- پیشنهاد می شود بررسی شود که اشکال گوناگون رایج اطلاعات مربوط به سود و زیان جامع بر نحوه بدست آوردن، ارزیابی و وزن دادن به اطلاعات توسط اشخاص چگونه اثر می گذارد. همچنین پیشنهاد می شود که این اثر بر گروه های مختلف استفاده کننده بررسی شود.

۴- پیشنهاد می شود ابتدا بهترین مدل هایی که با داده های مربوط به شرکت های مورد بررسی برازش می شود مورد شناسایی و سپس با استفاده از بهترین مدل های برازش شده برتری سود و زیان جامع نسبت به سود و زیان خالص مورد آزمون قرار گیرد.

جدول شماره ۱: نمونه انتخاب شده از بین شرکت های پذیرفته

ردیف	صنعت	سال ۱۳۸۰		سال ۱۳۸۱		سال ۱۳۸۲		کار نمونه در سه سال
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	معادن	۴	۱/۸	۶	۲/۶	۴	۲	۱۴
۲	صنایع غذایی	۲۹	۱۳	۳۶	۷/۱۵	۲۸	۱۴	۹۳
۳	دارویی و شیمیایی	۵۰	۲۲	۳۹	۱۷	۳۵	۱۸	۱۲۴
۴	لاستیک و پلاستیک	۱۰	۴/۵	۹	۳/۹	۹	۴/۶	۲۸
۵	گانی و سیمان	۲۹	۱۳	۳۵	۳/۱۵	۳۶	۱۸	۱۰۰
۶	فلزات اساسی و محصولات فلزی	۲۴	۱۰	۲۷	۱۱	۱۰	۵/۱	۶۱
۷	لوازم خانگی و تجهیزات	۱۵	۶/۷	۱۲	۵/۳	۱۳	۶/۷	۴۰
۸	برق و تلویزیون	۱۲	۵/۴	۱۲	۵/۳	۱۲	۶/۲	۳۶
۹	خودرو	۲۱	۹/۴	۲۲	۹/۶	۱۵	۷/۷	۵۸
۱۰	سرمایه گذاری	۱۲	۵/۴	۱۷	۷/۴	۱۸	۹/۲	۴۷
۱۱	صنایع نساجی	۵	۲/۲	۲	۱/۹	۴	۲	۱۱
۱۲	چوب و کاغذ	۸	۳/۶	۶	۲/۶	۶	۳/۱	۲۰
۱۳	سایر صنایع	۴	۱/۸	۶	۲/۶	۵	۲/۶	۱۵
	جمع	۲۲۳	۱۰۰	۲۲۹	۱۰۰	۱۹۵	۱۰۰	۶۴۷

شده در بورس اوراق بهادار تهران در سالهای ۱۲-۱۳۸۰

جدول ۲: خلاصه نتایج مدل های فرضیه اول

نتیجه گیری فرضیه اول	[Vuong's Z-stat], (احتمال)	مدل دوم		مدل اول		صنعت
		P-value	R	P-value	R	
رد	(۰/۸۳۳) [-۰/۲۱۱]	/۰۰۰۰ (۰)	۵۹۷ ۰/	/۰۰۰۰ (۰)	۵۹۶ ۰/	کل صنایع (۱۳۸۰-۱۳۸۲)
رد	(۰/۱۵۴) [۱/۴۲۵]	/۰۰۰۰ (۰)	۵۷۹ ۰/	/۰۰۰۰ (۰)	۵۲۱ ۰/	صنایع غذایی
رد	(۰/۱۷۳) [-۱/۳۶۴]	/۱۹۰ (۰)	۴۷۶ ۰/	/۱۵۱ (۰)	۵۰۹ ۰/	چوب و کاغذ
رد	(۰/۳۲۲) [-۰/۹۹۱]	/۰۰۰۰ (۰)	۵۶۹ ۰/	/۰۰۰۰ (۰)	۴۹۲ ۰/	دارویی و شیمیایی
رد	(۰/۳۱۶) [۱/۰۰۲]	/۰۷۸ (۰)	۳۶۶ ۰/	/۰۸۹ (۰)	۳۵۴ ۰/	لاستیک و پلاستیک
قبول	(۰/۰۰۷) [۲/۶۶۸]	/۰۰۰۰ (۰)	۵۱۵ ۰/	/۲۳۷ (۰)	۱۳۰ ۰/	کانی و سیمان
رد	(۰/۱۳۸) [-۱/۴۸۴]	/۰۰۰۰ (۰)	۷۰۱ ۰/	/۰۰۰۰ (۰)	۷۴۹ ۰/	فلزات اساسی و محصولات فلزی
رد	(۰/۰۹۶) [-۱/۶۶۴]	/۰۸۹ (۰)	۱۱۸ ۰/	/۱۲۲ (۰)	۲۰۷ ۰/	لوازم خانگی و تجهیزات
رد	(۰/۳۶۳) [۰/۹۰۹]	/۲۱۲ (۰)	۲۹۸ ۰/	/۲۱۷ (۰)	۲۶۸ ۰/	برق و تلو بیون
رد	(۰/۹۷۳) [-۰/۰۷۹]	/۰۰۰ (۰)	۶۴۳ ۰/	/۰۰۰ (۰)	۷۱۹ ۰/	خودرو
رد	(۰/۳۱۴) [۱/۰۰۸]	/۰۲۳ (۰)	۶۰۶ ۰/	/۰۴۸ (۰)	۵۹۳ ۰/	سرمایه گذاری
رد	(۰/۱۰۳) [۱/۶۳۳]	/۰۰۰ (۰)	۸۳۲ ۰/	/۰۰۰ (۰)	۷۲۷ ۰/	سال ۱۳۸۰ (کار صنایع)
رد	(۰/۴۲۵) [۰/۷۹۷]	/۲۵۵ (۰)	۳۵۹ ۰/	/۱۵۴ (۰)	۳۷۰ ۰/	سال ۱۳۸۱ (کار صنایع)
رد	(۰/۷۷۸) [-۰/۲۸۲]	/۰۱۲ (۰)	۲۹۵ ۰/	/۰۰۸ (۰)	۳۰۷ ۰/	سال ۱۳۸۲ (کار صنایع)

جدول ۳: خلاصه نتایج مدل های فرضیه دوم

نتیجه گیری فرضیه دوم	[Vuong's Z-stat], (احتمال)	مدل چهارم		مدل سوم		صنعت
		P-value	R	P-value	R	
رد	(۰/۷۲۱)، [۰/۳۵۷]	۰۰۰)	/۶۵۱ (۰/۰	۰۰۰)	۶۴۸ ۰/	کل صنایع (۱۳۸۰-۱۳۸۲)
رد	(۰/۵۱۹)، [۰/۶۴۴]	۰۰۰)	/۶۸۵ (۰/۰	۰۰۰)	۶۶۱ ۰/	صنایع غذایی
رد	(۰/۷۶۸)، [-۰/۲۹۵]	۰۰۰)	/۸۰۲ (۰/۰	۰۰۰)	۸۰۷ ۰/	چوب و کاغذ
رد	(۰/۲۶۰)، [-۱/۱۲۶]	۰۰۰)	/۶۳۶ (۰/۰	۰۰۰)	۶۵۵ ۰/	دارویی و شیمیایی
قبول	(۰/۰۵۱)، [۱/۹۴۹]	۰۰۰)	/۷۹۷ (۰/۰	۰۰۰)	۶۹۲ ۰/	لاستیک و پلاستیک
رد	(۰/۳۱۵)، [۱/۰۰۵]	۰۰۰)	/۷۱۳ (۰/۰	۰۰۰)	۶۵۲ ۰/	کانی و سیمان
رد	(۰/۵۸۱)، [۰/۵۵۲]	۰۰۰)	/۵۱۱ (۰/۰	۰۰۱)	۴۸۲ ۰/	فلزات اساسی و محصولات فلزی
رد	(۰/۵۹۳)، [-۰/۵۳۴]	۱۷۱)	/۴۳۷ (۰/۰	۰۵۰)	۴۵۱ ۰/	لوازم خانگی و تجهیزات
رد	(۰/۰۰۹)، [-۲/۶۱۸]	۰۰۰)	/۹۸۷ (۰/۰	۰۰۰)	۹۹۲ ۰/	برق و تلویزیون

رد	،(۰/۱۸۴) [-۱/۳۲۸]	۰۴۸ (۰/	/۲۲۴ ۰	۰۰۴ (۰/	۴۰۵ ۰/	خودرو
رد	،(۰/۴۷۷) [۰/۷۱۱]	۰۰۰ (۰/	/۷۴۷ ۰	۰۰۰ (۰/	۷۲۹ ۰/	سرمایه گذاری
رد	،(۰/۱۶۶) [۱/۳۸۴]	۰۰۰ (۰/	/۷۲۰ ۰	۰۰۰ (۰/	۶۸۷ ۰/	سال ۱۳۸۰ (کل صنایع)
رد	،(۰/۲۷۴) [-۱/۰۹۳]	۰۰۰ (۰/	/۵۶۰ ۰	۰۰۰ (۰/	۵۷۷ ۰/	سال ۱۳۸۱ (کل صنایع)
رد	،(۰/۵۲۴) [-۰/۶۳۷]	۰۰۰ (۰/	/۷۱۲ ۰	۰۰۰ (۰/	۷۱۹ ۰/	سال ۱۳۸۲ (کل صنایع)



جدول ۴: خلاصه نتایج مدل های فرضیه سوم

نتیجه گیری فرضیه چهارم	[Vuong's Z-stat], (احتمال)	مدل ششم			مدل پنجم			صنعت
		P-value $\beta_2$	P-value $\beta_1$	R <sup>2</sup>	P-value $\beta_2$	P-value $\beta_1$	R <sup>2</sup>	
رد	(۰/۷۳۹), [۰/۳۳۴]	) ۰۳۹ (۰/	۰۰۰) (۰/	۴۲ ۰/۹	) ۰۶۹ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۴۲ /۴ ۰	کل صنایع (۱۳۸۲) (۱۳۸۰)
رد	(۰/۵۲۹), [۰/۶۲۹]	) ۶۹۰ (۰/	۰۰۰) (۰/	۴۶ ۰/۹	) ۷۷۳ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۴۳ /۸ ۰	صنایع غذایی
رد	(۰/۷۶۴), [-۰/۳۰۰]	) ۹۹۱ (۰/	۰۱۲) (۰/	۶۴ ۰/۴	) ۹۸۴ (۰/	) ۰۱۰ (۰/	۶۵ /۲ ۰	چوب و کاغذ
رد	(۰/۲۴۹), [-۱/۱۵۰]	) ۰۰۳ (۰/	۰۰۰) (۰/	۳۳ ۰/۱	) ۰۰۷ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۳۳ /۰ ۰	دارویی و شیمیایی
رد	(۰/۱۰۱), [۱/۶۴۱]	) ۶۲۲ (۰/	۰۰۰) (۰/	۶۵ ۰/۹	) ۰۸۶ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۶۱ /۳ ۰	لاستیک و پلاستیک
رد	(۰/۲۵۴), [۱/۱۴۱]	) ۰۰۰ (۰/	۰۰۰) (۰/	۵۲ ۰/۶	) ۰۹۸ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۴۴ /۲ ۰	کانی و سیمان
رد	(۰/۴۷۷), [۰/۷۱۱]	) ۰۱۳ (۰/	۰۰۰) (۰/	۴۴ ۰/۹	) ۰۰۳ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۵۲ /۰ ۰	فلزات اساسی و محصولات فلزی
رد	(۰/۳۱۱), [-۱/۰۱۴]	) ۵۸۲ (۰/	۰۰۴) (۰/	۳۳ ۰/۴	) ۲۲۹ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۴۷ /۴ ۰	لوازم خانگی و تجهیزات
رد	(۰/۰۰۲), [-۳/۱۷۱]	) ۵۴۲ (۰/	۰۰۳) (۰/	۶۹ ۰/۸	) ۰۲۲ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۸۸ /۲ ۰	برق و تلویزیون
رد	(۰/۰۳۱), [-۲/۱۵۲]	) ۳۶۹ (۰/	۰۶۳) (۰/	۰۷ ۰/۰	) ۰۰۰ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۳۲ /۰ ۰	خودرو
رد	(۰/۱۶۱), [۱/۴۰۱]	) ۰۰۰ (۰/	۰۰۰) (۰/	۷۳ ۰/۱	) ۰۰۰ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۷۰ /۰ ۰	سرمایه گذاری
رد	(۰/۱۶۶), [۱/۳۸۴]	) ۱۵۲ (۰/	۱۵۴۳ (۰/	۵۴ ۰/۳	) ۰۲۰ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۴۸ /۷ ۰	سال ۱۳۸۰ (کل صنایع)
رد	(۰/۰۳۵), [-۰/۹۳۲]	) ۰۰۰ (۰/	۳۵۷ ۰	۳۵ ۰/۷	) ۰۰۰ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۳۸ /۳ ۰	سال ۱۳۸۱ (کل صنایع)
رد	(۰/۰۳۲), [-۰/۹۸۹]	) ۳۲۸ (۰/	۱۵۱۰ ۰	۵۱ ۰/۰	) ۰۶۳ (۰/	) ۰۰۰ (۰/	۵۲ /۹ ۰	سال ۱۳۸۲ (کل صنایع)

## منابع

- ۱- عرب مازار یزدی، محمد - رادمهر، کاترین "بررسی اهمیت و ضرورت گزارش سود و زیان جامع در ایران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۱ (بهار)، ص ص، ۷۳-۵۱، ۱۳۸۲.
- ۲- عرب مازار یزدی، محمد، "محتوای افزایش اطلاعاتی جریان های نقدی و تعهدی" رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- مجتهد زاده، ویدا- مؤمنی، مرضیه، "تأثیر آرایه صورت سود و زیان جامع بر تصمیم گیریهای استفاده کنندگان صورت های مالی: دیدگاه های استفاده کنندگان صورتهای مالی"، بررسی - های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۱ (بهار)، ص ص ۹۶-۷۵، ۳۸۲.
- 4- Bart, Mary E. and Greg Clinch. (2001). "Scale Effects in Capital Markets- Based Accounting Research", *Working Paper*, Stanford University.
- 5- Bernard, V.L. (1993). "Discussion of An Investigation of Revaluations of Tangible Long-Lived Assets". *Journal of Accounting Research* 31, pp. 39-45.
- 6- Biddle G. C. and J. Choi . (2003). "Is Comprehensive Income useful?" *Working Paper*

*under Review*, Hong Kong University of Science & Technology, Hong Kong.

7- Brief, R.P., and K.V. Peasnell. (1996). "Clean Surplus: A Link between Accounting and Finance". *Garland Publishing*, New York.

8- Brown, Stephen, Lo Kin , and Thomas Lys.(1999). "Use of  $R^2$  in Accounting Research: Measuring Changes in Value Relevance over the Last Four Decades", *Journal of Accounting & Economics*, University of British Columbia.

9- Cahan Steven F., Stephen M. Courtenay, Paul L. Gronewoller, and David R. Upton. (2000). "Value Relevance of Mandated Comprehensive Income Disclosures", *Journal of Business Finance and Accounting* (27:9 & 10), pp. 1273-1303.

10- Choi Jong-Hag, Somnath Das. (2003). "The Predictive Ability of Comprehensive Income

Disclosures under SFAS No.130” , *Working Paper*, Hong Kong University of Science and Technology.

11- Dechow, P.M. (1994). “Accounting Earnings and Cash Flows as Measures of Firm Performance: The Role of Accounting Accruals”, *Journal of Accounting and Economics* 18, 3-42.

12- Dhaliwal D., K. R. Subramanyam, R. Trezevant. (1999). “Is Comprehensive Income Superior to Net Income as a Measure of Firm Performance?” *Journal of Accounting and Economics*, 26, pp. 43-97.

13- Easton, P.D., P.H., Eddey and T.S., Harris. (1993). “An Investigation of Revaluations of Tangible Long-Lived Assets”. *Journal of Accounting Research* 31, pp. 1-38.

14- Financial Accounting Standards Board. (1985). “Statement of Financial Accounting Concepts

No. 6: Elements of Financial Statements”

(Norwalk, CT: Financial Accounting

Foundation).

15- Financial Accounting Standards Board. (1997).

“Statement of Financial Accounting Standard

No. 130: Reporting Comprehensive Income”,

Financial Accounting Standards Board, Norwalk,

CT.

16- Harris, M.S. and K.A. Muller. (1999). “The

Market Valuation of IAS versus US-GAAP

Accounting Measures Using Form 20-F

Reconciliation”, *Journal of Accounting and*

*Economics* 26, pp. 285-312

17- Holthausen, R., and R. Watts. (2001). “The

Relevance of the Value Relevance Literature for

Financial Accounting Setting”. *Journal of*

*Accounting and Economics* 31 (September ) 3-

75.

- 18- Kanagaretnam Kiridaran, Robert Mathieu, Mohamed Shahata. (2004). "Usefulness Of Comprehensive Income Reporting in Canada", *Working Paper*, McMaster University.
- 19- Kotari, S.P. and J.L. Zimmerman. (1995). "Price and Return Models", *Journal of Accounting and Economics*, 20, pp. 155-192.
- 20- Lev, B. (1989). "On the Usefulness of Earnings: Lessons and Directions from Two Decades of Empirical Research", *Journal of Accounting Research* 27 (supplement), 153-192.
- 21- Louis, Henock. (2003). "The Value Relevance of the Foreign Translation adjustment", *Working Paper*, The Pennsylvania State University.
- 22- Maines, L. A. and L. S. Mcdaniel. (2000). "Effects of Comprehensive Income Characteristics on Nonprofessional Investors' Judgments: The Role of Financial Statement

- Presentation Format”, *Accounting Review*, 75 (April), pp. 179-207.
- 23- Ohlson, J. (1995). “Earnings, Book Values, and Dividends in Security Valuation”, *Contemporary Accounting Research* (Spring), pp. 661-86.
- 24- Smith P. A., and C. L. Reither. (1996). “Comprehensive Income and the Effect of Reporting It”, *Financial Analysts Journal*, 52, pp. 14-20.
- 25- Subramanyam, K.R. (1996). “The Pricing of Discretionary Accruals”, *Journal of Accounting and Economics* 22, pp. 249-281.
- 26- Vuong, Quang H. (1989). “Likelihood Ratio Tests for Model Selection and Non-nested Hypotheses”, *Econometrica* 57, 307-333.